

فقه شیعی و تقابل با افراتیگری



آیت‌الله العظمی محمد باقر انصاری

متأسفانه در سال های اخیر ملاحظه می شد که برخی روشن فکران دینی در ایران در مقام نوعی مقایسه میان برداشت هایی از فقه شیعی وایدئولوژی داعش بر ضرورت اصلاح فکر دینی تأکید می کردند، البته در ضرورت اصلاح فکر دینی واجتهاد در اصول وبارور کردن فقه اجتهادی مبتنی بر ضرورات ومقتضیات زمان ومكان ودرنظر گرفتن مقاصد ومصالح شرع ومردم واز همه مهم تر اندر ضرورت درنظر گرفتن ابتنای فقه اجتهادی بر حقوق بنیادی بشر تردیدی نیست ومی توان بسیار درباره آن گفت اما اینکه گفته شود در فقه سنتی شیعی هم فتاوی نزدیک به فقه داعشی موجود است یالینکه در فقه ما هم ظرفیت هایی هست که می تواند منجر به ظهور فقه داعشی شود، سخنی است گزاف ونادرست.

نخست باید گفت داعش فقهی ندارد، بلکه گروهی تروریستی است که فقط سعی می کند از مبانی دینی برای خود یک ایدئولوژی دینی وفقهی دست وپا کند. قرائت این گروه از اسلام ومنابع شریعت وفقه وعقیده، قرائتی قشری وظاهرگراست ودرست برخلاف روندی است که فقیهان شیعه وسنی در طول تاریخ در مسیر روند اجتهادی خود طی کرده اند. تمام اصول فقه در اسلام بدین دلیل پایه ریزی شد تا مبانی اجتهادی برای فهم متن مقدس شکل گیرد واز ظاهر الفاظ وعمومات بتوان راهی به تقییدات وتخصیصات واصل برد. حتی در قشری ترین لایه های اصحاب حدیث که بیشتر مبانی اجتهادی فقه های حنفی مخالف بودند، یعنی فقیهان حنبلی، نیز به تدریج چنان که می دانیم، فقیهان ضرورت بهره وری از مبانی اجتهادی و اصولی رادرک کرده اند. نمونه روشن این موضوع، بهره گیری فقیهان حنبلی متأخر است ازمبحث ضرورات ومصالح خمسه یانچه امروز فقه مقاصدی شناخته می شود. باری آنچه برای فقه اسلامی در طول تاریخ به عنوان چالشی مهم در این زمینه وجود داشته وخطر داعشی کردن رابرای فقه می توانسته ایجاد کند، دو چیز بوده است:

یکی بهره برداری اهل قدرت بود از فقه وفقه های سلطانی. در طول تاریخ نهاد علما وقضات در حکومت های سلطانی، همواره اهالی قدرت تلاش کرده اند تا برای مطامع سیاسی ورفاقت های قدرتی خود، از فقه وفقه های بهره وری ابزاری کنند. فقیهانی هم بوده اند که تحت عناوینی ثانوی مانند ضرورت حفظ وحدت امت وجامعت، از سلطان وخلیفه حمایت می کرده و بنا به فرموده در مواقع مقتضی، حکم فقهی وقضایی به دلخواه سلطان صادر می کردند. در برابر این فقیهان ووعاظ السلطان وآخوند های دریاری البته همواره فقیهانی دیگر بوده اند که آنان را علماء السوء خطاب می کرده واز فقه وفقاهت آنان، مردم رابر حذر می داشته اند، بنابراین عملا در طول تاریخ هیچ گاه فقه اصحاب قدرت که گاهی در خدمت به سلطان نمودی داعشی پیدا می کرد، نمی توانست دیر زمانی به عنوان تنها اجتهاد مقبول یامشروع جلوه کند وهمواره با خواسته های آنان مخالفت می شد وجلوی درازدستی ها به شرع وشریعت رامی گرفت، به طور نمونه بسیاری از شروطی که فقیهان برای اجرای حدود وتعزیرات قائل شده اند، عملا برای مقابله با این درازدستی ها وسوء استفاده از فقه وشرع، ارائه وپیشنهاد می شد. مشکل دوم، ظهور جریان سلفیگری وهابی دردویست سال گذشته بود که در واقع همه تاریخ اجتهاد وفقه وکلام ورزی اجتهادی وعقلی گرا در اسلام رامی خواست ومی خواهد باقشریگری وظاهر بینی خود تحت عنوان ضرورت بازگشت به سنت از میان بردارد. غافل از اینکه مجتهدان وفقیهان در سده های گذشته، فقه رابستری برای اعمال اجتهادی بشری در مواجهه بامتن مقدس وسنت سلف وچگونگی تعامل باآن دو می دانستند. فقه در حقیقت مجموعه ای از اجتهادات واجماعات فقهاست ونمی تواند بریده ای از وقایع اجتماعی باشد. تعاملی ودیالکتیکی است میان نص مقدس وواقعیت اجتماعی. بدین ترتیب، عملا فقه در طول تاریخ اجتهادی خود، روندی مخالف سیره سلف داشته است وفقیهان در حقیقت بااعتبار بخشیدن به اجماعات هر عصر وتوجه به عرف مؤمنان، همواره سعی کرده اند راهی برای برون رفت از تضییقات فقهی باز کنند که سلف وفقه سلف برای آن ها ایجاد می کرد. طبیعی است که برای چنین رویکردی، فقه سلفی محور وهابیت یک چالش بزرگ برای اهل سنت است، به ویژه اگر درنظر آوریم که پترو دلارهای عربستان سعودی در چند دهه گذشته به شکل وسیعی فقه سلفی غیر اجتهادی وسنت گرا وبل واپس گرای خود را در همه ابعاد آن ودر اشکال مختلف در نظام های آموزشی ودینی جهان اسلام تزریق کرده است یاتلاش می کند تزریق کند. نه تنها در نجد وحجاز بل حتی شوربخانه در مهم ترین مراکزی که به طور سنتی بستر فقه اجتهادی حنفی بوده است یعنی در شبه قاره وآسیای مرکزی وحتی مصر وشام. باری قبول دارم که فقه وهابی، چالشی بزرگ برای اجتهاد وخردگرایی کلامی واعتقادی در اسلام است. وهابیت بانفی هرگونه خردورزی واجتهاد در اصول وفروع، عملا همه مظاهر اندیشگی در اسلام از تشیع گرفته تااعتزال وجهمیگری واشعریّت ومانریدگری وفقه احناف رابه چالش کشیده است وهمه آن ها رابدعی وبدعت گرامی خواند. کافی است سری بزیند به مناسورات ترائی وغیر ترائی عربستان سعودی در چند دهه اخیر تابیینید چگونه حتی شخص ابوحنیفه، هدف اتهامات قرار می گیرد. نه آیا چنین است که اصحاب حدیث قدیم اهل سنت یعنی اسلاف حنابله وسلفیان وهابی، امروز کتاب ها در رد بر ابوحنیفه واعتقادات وفقه اجتهادی اومی نوشندند؟

با این وصف حتی در مورد داعش هم نمی توان گفت که عینا ومستقیمابر ساخته وهابیت سنتی است. باری آنچه مسلم است، این است که داعش وفقه داعشی ماده خامی رادر ساختن گفتمان خود مورد استفاده قرار می دهد که وهابیت وتفکر سلفی در اختیارش قرار داده است. مشکل از وهابیت وتفکر سلفی است. مشکل دردروزی گرفتن از فقه اجتهادی واصول فقه اجتهادی وخردورزی اعتزالی است که تحت تأثیر تفکر سلفی، نزدیک است به کلی از میان برود. سلفیگری است که می تواند همه میراث خردگرایی دینی در سنت اسلامی رانابود کند.

فقه شیعی در طول تاریخ، هم خود را از خواهش های اصحاب قدرت دور می داشت چون قدرت سلطان را اساسا نامشروع می دانست وهم بااجتهاد وتفکر اعتزالی وفلسفی خود، قشریگری دینی راباروح دین در تضاد می دید. وقتی بالای سلفیگری وهابی به جان جهان اسلام افتاد، فقه شیعی به دلیل اختلاف بنیادی با تفکر وهابی، تحت تأثیر آن قرار نگرفت. امروز اما فقه شیعی تنها زمانی می تواند خود را از افتادن در خطاهای خطرانی که از آن ها در این یادداشت سخن گفتیم مصون دارد که به ضرورات ومصالح ومقتضیات زمان ومكان وبه اجتهاد مداوم در اصول وبه مقتضیات بشری بودن هر اجتهادی در دین، پایبند بماند.

بقیع نه تنها بنایی مذهبی که میراث تمدن بشری است

نگاهی به کتاب «بهشت بقیع» اثر دکتر احمد خامه یار، تاریخ پژوه، به مناسبت فرارسیدن سالروز تخریب حرم ائمه بقیع^(ع)



پیشینه واعتبار تاریخی برخی زیارتگاه های بقیع ازجمله بیت الاحزان، مزار حلیمه سعدیه ومسجد ابی بن کعب، نظریات جدیدی مطرح شده است که پژوهشگران قبلی به این نتایج نرسیده اند.

● بازبای تاریخ اژدل کتیبه های باقی مانده

دکتر خامه یار در این اثر تلاش کرده است که فقط به منابع مکتوب بسنده نکند. زیرا کتیبه ها، دیوارنگاره ها وآثار هنری، اسناد قابل بررسی ومنابعی برای پژوهش هستند که به صورت کارهای میان رشته ای می توان از آن ها استفاده کرد. نویسنده در این باره نقدی هم به تراث پژوهان دارد: «گاهی بسیار به میراث مکتوب اهمیت می دهیم، در حالی که به آثار هنری باقی مانده در دل بناهای معماری آن گونه که باید، اهمیت نمی دهیم. همچنین به نسخه های خطی اهمیت می دهیم ودر کتابخانه و مراکز نسخ خطی از آن ها به خوبی محافظت می کنیم، اما آثار معماری چندان برایمان مطرح نیست، در حالی که کتیبه ها و دیوارنگاره ها اسناد ما هستند و یک دوره فرهنگ مردم یک شهر یاک روستا را نشان می دهند،»

او همچنین معتقد است که این اهل قلم هستند که باید تلاش کنند متولیان امر به این آگاهی برسند که به این آسانی دست به تخریب بناها نزنند و دست کم با عکاسی و چاپ آلبوم های هنری، این آثار را مستندنگاری کنند.

● اهمیت احیای حافظه تصویری بقیع

اینیه تاریخی در شهر مکه و مدینه به تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسند، موضوعی که سبب شده است تا مستشرقین با استناد به همین موضوع اصل حکومت اسلام رابه چالش بکشند. در این اوضاع تنها مدارکی که می توانیم به آن استناد کنیم، حافظه تصویری و نگاره هایی است که در نسخه های خطی به جای مانده ودر این کتاب سعی شده است نمونه های مهم آن ارائه شود. دست کم ۱۵۰ نگاره از قبرستان بقیع باقی مانده که در کتاب «بهشت بقیع» گلچینی از این نگاره ها و ۳۵ نگاره کمتر دیده شده گردآوری شده است.

همچنین یک مقدمه علمی در خور برای کتاب نوشته شده که بیشتر آن مقدمه ناظر به نسخه های خطی موجود در باره بقیع و به نوعی مقایسه تطبیقی بین نسخ منظر است که حتی می تواند یک کتاب مستقل هم باشد.

نویسنده در این کتاب تأکید دارد که بگوید: «این کتاب یک نگاه فرامذهبی و فرا اسلامی به بقیع است. زیرا برای مطالعه و پیگیری احیای بقیع فقط نمی توان نگاه شیعی واسلامی داشت. جهان و شرایط امروزی ملید که ما بانگاه و رویکرد دیگری به این مسئله ورود کنیم. بنابراین خیلی مهم است که نشان دهیم بقیع یک محوطه تاریخی ومیراث تمدنی بشری است، نه صرفا بنایی مذهبی.»

کتاب «تاریخ انگاره شیعی زیارت برپایه بازسازی کتاب المزار اشعری» اثری است درباره تاریخ زیارت در مذهب شیعه برپایه بازسای وتحلیل کتاب مفقود المزار سعد بن عبدا... اشعری به قلم حامد خانی (فرهنگ مهروش).

کتاب چهار بخش دارد. نویسنده از مقدماتی درباره زیارت از منظر مطالعات ادیان آغاز کرده وسپس با شناساندن سعد بن عبدا... اشعری و با استفاده از نقل ها از کتاب المزار اوبه خصوص در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه به بازسازی کتاب المزار پرداخته است. متن بازسازی شده المزار اشعری در بخش سوم آمده است.

در فصل نخست این بخش، اهمیت و مراحل



غربت بقیع

به تمامی زوایای این موضوع مهم بپردازم، مؤلف از بهمن ۱۳۹۸ برای تکمیل کتاب و جمع آوری اسناد ومدارک جدید تصمیم می گیرد. اوبابرسی اسناد مرتبط با «بقیع» در مراکز اسنادی همچون مرکز اسناد وزارت امور خارجه، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و مرکز اسناد کتابخانه ملی، اسناد جدیدی درباره تخریب بقیع وواکنش ها در برابر آن شناسایی می کند. کتاب «غربت بقیع» اثری است که با بهره گیری از مجموعه این اسناد وهمچنین با کمک اطلاعات کتاب «تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد» و دیگر نوشته ها ومنابع در اختیار نویسنده، تهیه وتدوین شده است. این کتاب در پژوهشکده حج وزیارت، آماده سازی شده و نشر مشعر در بهمن ۱۳۹۹ در ۵۴۴ صفحه و در قطع وزیری آن رامنشر کرده است.

در پایان کتاب، تصویر شصت سند که محتوای آن ها در متن کتاب منعکس شده، به چاپ رسیده است. همچنین تصاویر قدیمی بقیع قبل از تخریب بناها و گنبدها وتصاویری از قبرستان بعد از تخریب، منتشر شده است.



وروش» نام دارد، به بررسی کتاب مفقود المزار سعد بن عبدا... اشعری، روش بازسازی این کتاب وتحلیل محتوای آن می پردازد. نویسنده در این بخش، بعد از بررسی تاریخی مزارنویسی تا زمان سعد بن عبدا... وبررسی زندگی او، روش بازسازی کتاب رابراساس کامل الزیارات کامل الزیارات خود که در سترس ماست، دویست و سی و پنج بار به سعد بن عبدا... اشعری استناد کرده است. این کتاب، نوشته دکتر حامد خانی (فرهنگ مهروش)، در سال ۱۴۰۰ است وانتشارات دانشگاه امام صادق^(ع) آن رامنشر کرده است.

و انگیزه های سفر های آیینی، تأثیر اجتماعی وسیاسی واقتصادی زیارت بر زندگی اجتماعی ونگاه دین شناسانی همچون وان گنپ، ویکتور ترنر ومیرچا الیاده درباره ارزش آیینی زیارت، شناسانده شده است.

نویسنده در فصل دوم از بخش اول، مهم ترین آیین های زیارتی در ادیان مختلف ازجمله تمدن باستانی میان رودان، فرهنگ یهودی، آیین مسیحیت وآیین حج مسلمانان رامعرفی کرده است.

فصل سوم این بخش به گونه ها و کارکردهای زیارت اسلامی وباور مسلمانان در باب زیارت قبور و دیگر انواع زیارت و کارکردهای سیاسی، عمرانی وروانی مزارات اسلامی، اختصاص دارد.

بخش دوم کتاب که «بازخوانی مزارات کهن ضرورت